

تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به

مهدویت

از دیدگاه جامعه‌شناسی

حسن عبدالپور

اشاره: یکی از مهم‌ترین اصل‌های شیعه که استمرار تعلیمات ناب اسلامی را در جوامع اسلامی، سبب شده است، ایده‌ی مهدویت است.

ایده‌ی مهدویت را از دیدهای گوناگونی می‌توان بررسی کرد. یکی از آن دیدها، تحلیل این عقیده از منظر جامعه شناختی است.

این نوشتار، آثار جامعه شناختی عقیده به منجی جهان را در سه بُعد «دینی - اجتماعی»، «تریبیتی - اجتماعی»، «سیاسی - اجتماعی» بررسی کرده است.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصل‌های اندیشه‌ی تشیع که در عصر غیبت، استمرار تعلیمات ناب اسلامی و شیعی را در جوامع مسلمان سبب شده و راه پیش روی بشریت و آینده‌ی آنان را تا پایان تاریخ روشن ساخته، اصل اصیل مهدویت است. این اصل امید بخش، حرکتی است از سرچشمه‌ی توجّه به امام و هادی و راهبری زنده ف آسمانی اما در پس پرده‌ی غیب.

آنچه از

تأثیرهای...

با تمسک به این اصل روش، مؤمنان و مسلمانان، هرگز، در دنیای مدرن و صنعتی و بی خدایی معاصر، تنها و سرگشته نمی‌مانند و در هر فتنه و مصیبی - آن گونه که در بیان زیبای روایات آمده است - به حصن حصین این اندیشه‌ی الهی (انتظار فرج) پناه می‌برند و برای حل مشکلات فردی و اجتماعی خود از آن یار غایب از نظر، چاره‌جویی می‌کنند.

اینک، در دنیایی که در آن، حکام و سیاستمداران، در پی اجرای دستورها و فرمان‌های الهی نیستند، بلکه می‌خواهند هر چه بیشتر به مطامع مادی خویش دست یابند، اندیشه‌ای که می‌تواند به معنای واقعی کلمه «منجی» و نجات بخش بشریت از آلام بی خدایی و افسردگی باشد، همانا اندیشه‌ی مترقبی «مهدویت» است.

پرداختن به این اندیشه و کاویدن زوایای گوناگون آن، اندیشه‌ی احیای مجدد دین در عصر کفر را به ارمغان می‌آورد.

آن چه ضرورت پرداختن به این مبحث مهم را دو چندان می‌کند، لزوم تدارک تئوریک برای حکومت دینی جمهوری اسلامی ایران است. حکومت دینی ما بر طرح تئوریک «تبیین و ترویج فرهنگ مهدویت» و پژوهش در عرصه‌های گوناگون مرتبط به این امر، متولّد شده است.

در تبیین تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت بر جامعه، ابتدا می‌توان دو نوع کلی تأثیر اجتماعی را بازشناسی کرد. نوع یکم «تأثیر غیر مستقیم» بر جامعه است.

در این بخش، فرایند عینی اعتقادات، از جمله اعتقاد به مهدویت، مجموع جامعه، اعم از معتقدان و غیر معتقدان، را متأثر می‌سازد؛ یعنی، بسیاری از فرایندهای جمعی و گروهی در جامعه، پس از ایجاد، دارای انعکاس و بازتابی وسیع‌تر از حیطه‌ی گروه ایجاد کننده است. در بررسی تأثیرهای اجتماعی مهدویت، از این نوع تأثیرهای نمی‌توان غافل بود. البته، توضیح بیش‌تر این‌ها، در بخش «تأثیرهای مستقیم» بیان می‌گردد.

تأثیرهای مستقیم هر فرایند آگاهانه، عمده‌تاً، از اتخاذ مبانی بینشی و نگرشی خاص در مورد موضوع مورد نظر و در افراد و گروه‌های مرتبط، شکل می‌پذیرد. این نگرش و بینش

آنالیز

را می‌توان در حیطه‌ی امور دینی، به "اعتقاد" تعبیر کرد.

شكل‌گیری بینش و نگرش در درون افراد، واکنش‌هایی را در حیطه‌ی رفتاری آنان به وجود می‌آورد که می‌توان از آن به "کنش‌های رفتاری" تعبیر کرد. آن گاه که کنش‌های رفتاری از حد فرد گذشت و به گروه‌ها منتقل شد و واکنش‌های رفتاری به نحو جمیعی صورت پذیرفت، فرایند «تأثیر و تأثیر اجتماعی» آغاز می‌گردد.

اعتقاد به مهدویت نیز آن گاه که از حد بینش و نگرش می‌گذرد و به حیطه‌ی رفتاری - و خصوصاً رفتار فردی - سرایت کند، دارای تأثیرها و نمودهای عینی بر جامعه‌ی دینداران خواهد بود.

برای بررسی تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، از منظر جامعه شناختی، لازم است در ابتدا به آبعاد گوناگون این تأثیرها اشاره شود.

ابعاد اجتماعی تأثیرهای اعتقاد به مهدویت، عمدتاً، به سه گروه «دینی - اجتماعی» و «تربیتی - اجتماعی» و «سیاسی - اجتماعی» تقسیم می‌شود.

الف) تأثیر دینی - اجتماعی

تأثیر دینی - اجتماعی مهدویت، عمدتاً، شامل رفتارهای دینی می‌گردد که به نحو جمیعی صورت می‌پذیرد. به عنوان شاخص‌هایی از این بعد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- گرامی‌داشت مراسم نیمه‌ی شعبان

نیمه‌ی شعبان، عید انتظار، عید نور، عید عدالت جهانی، عید اعلام نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجه به متظران، و نمایش شادمانی‌ها و زوال تاریکی‌ها و امنیت و وحدت در جامعه‌ی جهانی اسلام است.

۲- برگزاری ادعیه‌ی خاص حضرت

در حقیقت، دعا و توسّل، دو نیاز آدمی و دو بال پرواز او برای فرار از دُل مردگی حاکم بر فضای زندانِ دنیا هستند. همین امر، انسان را بر آن می‌دارد تا در پی دستیابی به عواملی باشد که او را در راه درک مفاهیم ادعیه و زیارت، یاری می‌رسانند. در یک کلمه باید گفت، ترتیب و فراز و نشیب دعا با نیازهای پیچیده‌ی روح انسانی، هماهنگ است.

۳- توجه به اماكن ویژه‌ی حضرت

مسجد جمکران، در حال حاضر، میعادگاه میلیون‌ها انسان عاشق و علاقه‌مندی است که به شوق دیدار و توسل و ایجاد ارتباط در آن گرد هم می‌آیند تا با مقتدائی خویش تجدید میثاق کنند.

امام مهدی(عج) به حسن جمکرانی فرموده‌اند: «به مردم بگو، به این مکان (مسجد مقدس جمکران) رغبت کنند و آن را عزیز دارند». این مکان مقدس، تحت توجهات خاصه‌ی حضرت بقیة‌الله الاعظم، ارواحنا فداه، قرار دارد.

۴- صدقه دادن به قصد سلامتی امام عصر(عج)

صدقه دادن برای سلامتی حضرت، از جمله تکالیفی است که منتظران آن امام بزرگوار، در عصر غیبت بر عهده دارند. بدون شک، آن حضرت، بی‌نیاز از آن است که منتظران، برای سلامتی اش صدقه بدهند، ولی ابراز ارادت به آن بزرگوار و اعلامِ تبعیت از آن حضرت، نشانه‌ها و علایمی دارد که از آن جمله می‌توان علاقه به سلامتی حضرت اش را عنوان کرد.

از پیامبر ﷺ نقل شده است که «هیچ بنده‌ای ایمان نیاورد، مگر آن که من، نزد او، از خودش محبوب‌تر باشم، و خاندان اش، از خاندان اش، نزد او محبوب‌تر باشند، و عترت من، نزد او، از عترت خودش محبوب‌تر باشند، و ذات من، از ذات خودش، نزد او محبوب‌تر باشد»^۱، با این حساب، اگر برای سلامتی خود یا خانواده‌ی خودمان صدقه می‌دهیم، باید

برای سلامتی کسی که از ما و خاندانمان عزیزتر است، صدقه بپردازیم.

مرحوم سید بن طاووس به فرزندش چنین سفارش می‌کند:

... پس در پیروی و وفاداری ... نسبت به آن حضرت به گونه‌ای باش که خداوند و

رسول او و پدران آن حضرت و خود او از تو می‌خواهند. حوائج آن بزرگوار را بر

خواسته‌های خود مقدم بدار، هنگامی که نمازهای حاجت را به جای می‌آوری.

صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خودت و

عزیزانات قرار بده.^۲

هدیه دادن ثوابِ اعمالِ مستحب به آن امام شریف، از دیگر مصاديق ابراز ارادت به آن حضرت است. در زندگی روزمره، هدیه و چشم روشنی، گذرگاهی برای اعلامِ دوستی و نیز رفع کدورت‌ها است. روایات فراوانی از پیامبر اکرم ﷺ در این خصوص وارد شده است در روایت آمده است:

به هم دیگر هدیه بدھید تا رشته‌ی محبت تان استوار شود؛ زیرا، هدیه، محبت

را بیفزاید و کینه و کدورت را از میان ببرد.^۳

هدیه کردن پاداشِ اعمال به امام عصر علیهم السلام منحصر به ثواب نماز نیست، بلکه ثواب و پاداش هر عمل خیری را می‌توان مشمول این نکته قرار داد. مرحوم نوری طبرسی در النجم الثاقب، حج کردن به نیابت از سوی آن حضرت را مثال زده است و گفته، این کار، از قدیم، در میان شیعیان، امری مرسوم بوده است.^۴

هدیه‌ی پاداشِ اعمال نیک به ساحت قدسی حضرت مهدی علیه السلام امر پیچیده‌ای نیست و به مقدمات عریض و طویلی نیاز ندارد، بلکه همین که انسان نیت کند ثواب فلان عمل نیک، هدیه‌ای به امام عصر علیهم السلام باشد، کفايت می‌کند.

هدیه دادن پاداش اعمال نیک به حضرت ولی عصر علیهم السلام، قبولی و از دیاد پاداش را به دنبال می‌آورد.

۵- توجّه به نظارت حضرت در شب‌های قدر بر کارنامه‌ی سالیانه‌ی افراد

شب قدر، همان شبی است که در تمام سال، شبی به خوبی و فضیلت آن نمی‌رسد و عمل در آن، بهتر از عمل در هزار ماه است. در آن شب، امور سال، مقدّر می‌شود و ملائکه و روح - که اعظم ملائکه است - به اذن پروردگار، در آن شب به زمین نازل می‌شوند و به خدمت امام زمان علیه السلام مشرف می‌شوند و آن چه برای هر کس مقدّر شده است، بر امام علیه السلام عرضه می‌دارند.

۶- توسل‌های جمعی به حضرت

ما، در توسل‌ها که واژه‌ی «شفیع» را به کار می‌بریم، آبعاد فردی و شخصی و انسانی آن را در نظر می‌گیریم، اما هنگامی که واژه‌ی «منجی» و «موعد» را به کار می‌بریم، رسالت اجتماعی را در نظر می‌گیریم. «منجی» جمع و جامعه و روابط اجتماعی و... رانجات می‌دهد. چون در روابط اجتماعی، تعدد وجود دارد، استثمار و استعباد به وجود می‌آید و عده‌ای، برای همیشه، از حقوق انسانی محروم می‌شوند. در اینجا «منجی»، معنا دارد. رسالت اجتماعی این است که انسان‌های مستضعف را که نظام‌های اجتماعی، به دلایل مختلف، آنان را اسیر خود و خواسته‌های مادی شان کرده‌اند، برهاند. او، بنده‌های استعمار و... را پاره می‌کند و زمینه را برای رشد و استفاده از قابلیت‌های انسانی فراهم می‌کند. در حدیث آمده است که «یملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». قسط و عدل، واژه‌های اجتماعی‌اند، نه فردی. ایشان می‌آید تا جوامع رانجات بدهد و روابط قدرت را که نامتعادل است، تعادل بدهد و روابط ثروت را که نامتوازن است، موزون کند و روابط منزلت و حیثیت را که نامتوازن است، سر و سامان دهد.

از حقایق تاریخی و بیانات روایی و نظایر آن، استفاده می‌شود که حضرت حجۃ بن الحسن (عج) پیوسته، پناه بیچارگان‌اند و هرگاه شخصی درمانده شود و از ایشان استمداد کند، به فریادش خواهند رسید.

انظر

این مسئله، از دو جهت اهمیّت دارد: یکی این که امام زمان(عج) پناه و فریاد رس همگان است و دیگر این که از وظایف شیعیان، این است که در شداید و گرفتاری‌ها، به آن حضرت توسل جویند تا آنان را از دشواری‌ها برهاند و مشکلات‌شان را چاره سازد.

بحث گسترده درباره‌ی این دو جهت و شرح حال نجات یافتنگانی که در طول زمان غیبت به آن قدرت الهی رو آورده و از لطف اش بهره‌مند گشته‌اند، از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، اما به اختصار، مطالبی را یادآور می‌شویم:

منصب پناهگاهی و فریادرسی

از مناصب الهی و شئون ولایی امام عصر(عج) پناه دادن در ماندگان و فریادرسی بیچارگان است. در زیارتی که سید بن طاووس نقل کرده، خطاب به آن حضرت می‌خوانیم:

سَلَامُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحْيَاتُهُ وَ صَلَواتُهُ عَلَى مَوْلَايِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ
صَاحِبِ الضِّياءِ وَ النُّورِ... وَ الْكَهْفِ وَ الْعَضْدِ

یکی از القاب آن بزرگوار، «کهف» است. کهف، به معنای پناهگاه است. او، ملجاً هر در دمند و پناهگاه هر گرفتاری است که به حضرت اش پناه آورد و به آستان اش دست نیاز برآورد.

در همان زیارت آمده است:

السَّلَامُ عَلَى مُفْرِجِ الْكُرُبَاتِ^۵؛

سَلَامٌ بِرَكَاتِهِ سُخْتَىٰهَا وَ دَشْوَارِهَا.

در دعای بعد از نماز زیارت آن حضرت نیز چنین عرضه می‌داریم:

اللَّهُمَّ! صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ... وَ مُفْرِجِ الْكَرْبَ وَ مُزِيلِ الْهَمِّ وَ
كَاشِفِ الْبَلْوَى؟

پروردگار! درود و رحمت فرست بر حجتات در زمینات.... که گشاینده رنج و مشقت و بر طرف کننده اندوه و غم و دافع بیلتات است.

یکی دیگر از القاب حضرت مهدی(عج)، «غوث» و «غیاث (فریادرس)^۲» است. در

زیارت آل یاسین می‌گوییم:

السلام علیک آیهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ

الواسِعةٌ؛^۷

سلام بر شما ای پرچم برافراشته شده و ای دانش سرشار (ریخته شده) و ای
فریادرس و رحمت گسترده

آری، او، «کهف» و پناهگاه است، «غوث» و فریادرس است، «مُفَرِّجُ الْكَرْبَ» و
گشاینده‌ی رنج است و «مزیلُ الْهَمِ» و زداینده‌ی غم است، «کاشفُ الْبَلْوَى» و بر طرف
کننده‌ی بلا است.

راه رهایی از دشواری‌ها

شیعه، هرگز در برابر دشواری‌ها و مشکلات زندگی، از پای در نمی‌آید و به هنگام سختی‌ها و شداید، خود را نمی‌بازد و در هجوم درد و رنج، از درون نمی‌شکند، بلکه به صاحب امر خویش، یعنی حضرت مهدی(عج) متول شده و شفای درد و حل مشکلات را از آن چشم‌های رحمت و معدن مهربانی و فتوّت می‌جوید. چه بسا اگر انسان در موقع اضطرار و گرفتاری از امام زمان اش غافل بماند و به جای استمداد از او به دیگران - که خود، محتاج لطف و نیازمند فیض وی هستند - دست نیاز دراز کند، در انجام دادن وظیفه کوتاهی و به ولی نعمت و مولای خویش بی‌اعتنایی کرده باشد، و از این رو، سزاوار نکوهش است.

از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است که فرموده‌اند:
إِذَا نَزَلتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِنُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ
الْخُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا﴾؛

هرگاه سختی و دشواری به شما رو آورد، به واسطه‌ی ما از درگاه الهی کمک بخواهید. همین است مراد سخن خداوند که فرموده: «و برای خدا، نام‌های نیکو است پس اورا به آن نام‌ها بخوانید.».

انظر

گر چه برای استمداد از امام زمان(عج) دعاها و نمازهای مخصوصی وارد شده و توسّلات و عریضه نگاری‌ها و زیارت‌هایی نقل گردیده که هر یک نیز در تقرّب به آن حضرت و نجات از اندوه و پریشانی، تأثیر به سزاگی دارد، ولی آن چه سبب عنایت خداوند و لطف مولا می‌گردد، پیوند قلبی و ارتباط روحی با حضرت‌اش است. از این‌رو، کمک خواستن از آن بزرگوار، منحصر به الفاظ و کیفیّت مخصوص و زمان و مکان ویژه نیست، بلکه هر وقت و هر جا دل سوخته‌ای از ژرفایی جان و از صمیم قلب، حجت خدا را بخواند و به حقیقت دست نیاز به سوی وی دراز کند و دل از هر چه غیر او است، برگیرد و مضطرب لطف و عنایت‌اش گردد، قطعاً، مورد توجه آن بزرگوار قرار می‌گیرد و از گرفتاری و رنج و محنت رهایی می‌یابد.

ب) اثرات تربیتی - اجتماعی

انتظار امام و امت

«امام و امت هر دو متظرند: امت، در انتظار امام و منتظر خویش است و امام نیز همواره در انتظار به سر می‌برد. پس منتظر امت خود منتظر است؛ یعنی، چشم به راه فرشته‌ی حق است که در رسید و پیام قیام را برساند و او را به ظهور فراخواند تا او در پنهانی آشکار زندگی، گام گذارد و رستاخیز خویش را بیاغازد و انقلابی اصولی و فraigیر در کار زندگی انسان درافکند و آن همه کوشش‌های نافرجام برای ساختن جامعه‌ی انسانی را به فرجامی راستین برساند و رسالت الهی خویش را که برای آن ذخیره شده است، به انجام برد.

انتظار، در روان ژرف و بیکران امام منجی - که قلب جهان است - حالتی ویژه دارد و با انتظارهای دیگر تفاوتی اصولی. انتظار ما، به فراخور روان‌ها و اندیشه‌هایی که در انتظار به سر می‌برند و با شور و سوز و احساس‌هایی که منتظران دارند، ارتباط دارد و ژرفایی و گسترده‌گی آن در همین رابطه مشخص می‌گردد. هر کس، در ارتباط با پایگاه فکری و آرمانی و نوع هدف‌ها و احساس‌هایی که دارد، در انتظارهایی متناسب به سر می‌برد.



هدف و آرمان، هر چه والاتر باشد، انتظار تحقیق آن و فرار سیدن روزگار شکوفایی آن نیز بیشتر و شورانگیزتر است. بنا بر این اصل، انسان‌های بزرگ و احساس مندی که در اندیشه‌ی ساختن جامعه‌ی انسانی‌اند و به آرمان والای حقوق انسان و ارزش انسان فکر می‌کنند و همواره تفسیر درست و معقول انسان را در کتاب تکوین و تدوین می‌جویند و در راه این هدف بزرگ از احساس‌های الهی - انسانی پر شوری بخوردارند، انتظاری متناسب با این آرمان بزرگ دارند و آمادگی و تلاش‌ها و کوشش‌هایشان، هماهنگ با عظمت آرمان‌شان است. از این رو چنین انسان‌هایی، تمامی نیروها و امکانات خود را بر سر این آرمان می‌نهند و تا واسیل لحظات حیات، دست از تلاش برنمی‌دارند و سرانجام، زندگی را نیز فدا می‌کنند!

نمونه‌های کامل این انتظارها و آمادگی‌ها و آرمانگرایی‌ها را در زندگی پیامبران ﷺ می‌بینیم. پیامبران، با همه‌ی تفاوت‌هایی که در محیط‌ها و جریان مبارزات خویش داشتند، در اصول و هدف‌ها و نوع فدایکاری‌هایی که برای دستیابی به آن انجام می‌دادند، مانند هم بودند. پیامبران الهی، در هر دوره‌ای که رسالت یافتند، به سعادت انسان‌ها اندیشیدند و برای این مهم، کاملاً آمادگی داشتند و در انتظار چنین هدفی به سر می‌بردند. سراسر تاریخ، گواه راستین چنین انتظارها و آمادگی‌ها و احساس‌های پر شور و فدایکاری‌های بی نظیر و هدفداری‌های بی‌مانند است.

پیروان پیامبران و دیگر انسان‌های دل سوز نیز همواره ذر راه آرمان‌هاشان تلاش کردند و در انتظار پیدایی و تحقیق هدف‌های والا، زندگی خویش را به سر آوردند.

بنابراین، همه‌ی انسان‌های صالح و هدفدار، در همه‌ی دوران زندگی، دارای خصلت انتظار بوده‌اند، و انتظار، تحقیق بخش جوهر اصلی حرکت و عمل ایشان بوده است. لذا می‌توان گفت، انتظار، مفهومی جامع و فراگیر در همه‌ی ادوار تاریخ انسان بوده است.

امام مهدی (عج) می‌داند که با قیام خود چه حوادثی پدید می‌آورد و چه تحول و دگرگونی در زندگی ما ایجاد می‌کند و انسان‌ها را به چه اوچ و فرازی می‌رساند و چه

انتظار

موانعی از سر راه انسان برمی‌دارد و چه دردها و رنج‌ها و نادانی‌ها و گمراهی‌ها و محرومیت‌ها و دیگر نابه‌سامانی‌هایی را ریشه کن می‌کند، از این‌رو، همواره و هر لحظه، انتظار به وقوع پیوستن آرمان‌های بزرگ الهی و انسانی را دارد. این انسان صالح و نمونه‌ی الهی که نسخه‌ی دومی ندارد، به هدف‌های خود عشق می‌ورزد، و عشق او به هدف‌هایش، شایسته‌ی والایی مقام و بی‌کرانی روح با عظمت او است. رسالت او و فلسفه‌ی غیبت او، همه و همه، در این خواست الهی نهاده شده است.

وجود او و آرمان‌ها و عشق‌ها و مهربانی‌های او، همه، خدایی است. او، جز به حق و رضای او، به چیزی نمی‌اندیشد و به سعادت انسان و نجات اجتماعات بشری نیز عشقی الهی دارد، و انتظار او برای تحقیق این آرمان‌ها نیز خدایی است.

در برخی از احادیث، انتظار فرج، برترین کارها به شمار آمده است. شاید یکی از علل این گونه آموزش‌ها، این بوده است که پیروان امام مهدی (عج) بکوشند تا خود را به امام‌شان نزدیک کنند و مانند او بیندیشند و امّت با امام، در انتظار به سر برند. در حالت انتظار، بهترین شیوه‌ی پیوند و همسویی و همدلی با امام نهفته است، و غفلت از انتظار و معنای صحیح آن، باعث بی‌خبری و بی‌احساسی نسبت به سوزها و شورهای امام موعود است.

شاید در دوران غیبت انتظار راستین برای فرج، نخستین راه بیعت و هم پیمانی با امام موعود باشد؛ زیرا، انتظار، حضور در متن جریان‌ها و حوادث پیش از ظهور است و مایه‌ی یادآوری هدف‌ها و آرمان‌های امام موعود (عج) و زمینه‌ی آگاهی و هوشیاری و بیداری همیشگی است. در حال انتظار نبودن، به معنای غفلت و بی‌تفاوتش و بی‌خبری است، پس چه سان می‌توان خود را منتظر دانست و در انتظار مقدم گرامی امام بود، و محضر او را درک کرد؟

از این نظر، جامعه‌ی منتظر، باید چون خود امام، منتظر باشد و هر حادثه‌ی عظیم و ویران کننده و هر بازدارنده و یأس آفرینی، او را از تحقیق هدف‌های مورد انتظار مأیوس

نکند و در راه آن هدف‌ها از پویایی و تلاش بازندار و همواره به امام خود اقتدا کند.
تأثیرهای تربیتی - اجتماعی مهدویّت بر جامعه، شامل شاخصه‌هایی می‌گردد که به نوعی در آبعاد تربیتی انسان‌های جامعه اثر می‌گذارد. بارزترین نمونه‌ی تأثیرهای تربیتی - اجتماعی مهدویّت، عبارت است از:

۱- ایجاد روحیه‌ی امیدواری به آینده‌ای روشن

ما، انسان‌ها، منظر تحقیق ارزش‌ها هستیم، ولی به طور فردی و به طور نوعی، آن‌ها را نمی‌بینیم؛ یعنی، نوع انسان متعارف، در تحقیق این‌ها در زندگی جمعی، شکست خورده است. حال آیا باید انسان، دچار یأس شود و خود را بیازد؟ انتظار مهدی موعود، عجل الله تعالی فرجه، پیام امید است و به بشر سرخورده، امید می‌بخشد و می‌گوید، روزی، یک مرد الهی، آن چه را آرزوی تو است، یقیناً، براورده خواهد کرد.

یکی از ویژگی‌های نسل منظر، امیدواری و نگرش مثبت به آینده‌ی جهان است. اگر ما خودمان را در این شرایط بینیم و تصوّر کنیم که منظر دادگستر و عدل‌گستر جهان هستیم، برای برپایی آن اهداف تلاش خواهیم کرد. اگر امید نباشد، انسان، دچار افسردگی خواهد شد. اگر باور داشته باشیم جهان آینده، به دست نااهلان اداره خواهد شد، احساس نامیدی و خطر خواهیم کرد.

بنابراین، اعتقاد به مصلح جهانی، از نظر روانی هم برای جامعه‌ی بشری، ارزش عظیم و فراوان دارد؛ زیرا، اگر نامیدی و یأس، در فردی زنده شود، سعادت و خوش‌بختی آن فرد، در معرض سقوط حتمی قرار خواهد گرفت.

مفهوم امیدواری، دارای دو بُعد «ذهنی» و «عینی» است. منظور از امیدواری در بُعد ذهنی، مجموعه تفکرات، تمایلات، انگیزه‌ها، عادات، خوبی‌های مثبت است که شخصی امیدوار، در حیطه‌ی ذهن خود از آن برخوردار است.

منظور از امیدواری در بُعد عینی، مجموعه اعمال، رفتارها، کنش‌ها، واکنش‌هایی است که شخص امیدوار، به نحو مثبت و جهت‌دار و فعال، در موقع گوناگون، از خود نشان



می‌دهد.

هر یک از این آبعاد، خود دارای مؤلفه‌هایی است که با بررسی آن مؤلفه‌ها، می‌توان به میزان وجود روحیه‌ی امیدواری در اشخاص پی برد. نمودار زیر، این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.



۲- غایت‌مند سازی خلقت

در تربیت، بر این نکته تأکید می‌شود که زندگی بی‌هدف، قطعاً، به پوچی و به بحران هویت می‌انجامد. برای جلوگیری از شیوع این روحیه، خصوصاً در جهان صنعتی که مشکلات فراوانی را پیش روی انسان‌ها قرار می‌دهد، باید به کانونی برای حرکت و تلاش، توجه کرد. اندیشه‌ی مهدویت، می‌تواند به انسان بیاموزد که جهت رسیدن به

«جامعه‌ی آرمانی به محوریت امام مهدی(عج)»، همواره باید به این کانون فکر کرد و فعالیت‌های خود را بدان سو معطوف ساخت. طبیعی است که این فعالیت، انسان، را از پوچی می‌رهاند و به سوی زندگی مالامال از حرکت و نشاط سوق می‌دهد. از دیدگاه چنین انسانی، عدالت، نه تنها در قیامت و جهان واپسین، بلکه در همین دنیا هم جاری خواهد شد. بدین ترتیب، انسان، خود را در سرنوشت جهان، مؤثر می‌بیند و بنابراین می‌کوشد به دست خود بهترین جهان را بسازد.

ادیان، همواره، عنصری دارند که در دین‌شناسی به آن «اسکاتولوژی (غايت‌شناختی)» می‌گویند. ادیان، بلکه همه‌ی مکاتب، همواره، غایتی را برای بشر ترسیم می‌کنند. غایت‌شناختی، جزء عناصر اساسی ادیان است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، ادیان، برای استحکام بخشیدن به اخلاق، نیاز به پشتونه‌ای در انوها و آن سوی این زندگی دارند. به بیان دیگر، این جهان، زمان‌مند است و روزگاری به پایان خواهد رسید، پس برای بررسی أعمال و داوری درباره‌ی آن‌ها، باید دنیای دیگری باشد. دقیقاً، در این وضع است که نیک و شر معنا می‌دهد. بنابراین، اخلاق، در چنین شرایطی معنا می‌دهد و ارزش‌های اخلاقی به کمک چنین غایت‌شناختی، تحکیم می‌شوند.

عناصر غایت‌گرایانه در ادیان

به نظر می‌رسد که دو عنصر غایت‌گرایانه در ادیان وجود دارد:

الف) روز داوری و روز بازپسی؛

در این روز، حساب أعمال بشر رسیده خواهد شد و أعمال شر را جزا خواهند داد و خیر را پاداش.

ب) موعود‌گرایی؛

موعود‌گرایی نیز نوعی غایت‌شناختی ادیان است. موعود‌گرایی، نهایتی را برای حرکت جوامع ترسیم می‌کند.

نه تنها در اسلام، بلکه در آدیان دیگر نیز ما شاهد پیدایش و رشد این عنصر هستیم. موعودگرایی و هزاره‌گرایی را در پایان سال دو هزار شاهد بودید. با شکوه‌ترین جشن‌ها، در این روز بود. این جشن، برای جهان غرب، فقط یک تفریح نبود. بسیاری از مسیحیان و یهودیان، چشم انتظار پایان این هزاره بودند؛ زیرا، در پایان این هزاره، وعده‌هایی به بشر داده شده بود.

در اسلام، غایتی داریم به نام «روز داوری» یا «روز بازپسین»، که اعمال در آن روز، داوری خواهند شد. نکته‌ای که جای دقّت دارد، این است که «موعودگرایی و انتظار منجی، چرا حلقه‌ای از آن است؟». باقی گذاشتن یک حلقه در انتهای این سلسله، نشانه‌ی چیست؟

به نظر می‌رسد که این حلقه‌ی پایانی می‌خواهد به ما بگوید، این ایده، در تاریخ پاسخ‌گوی نیاز انسان‌ها است. اگر ما، عدل علیٰ و تمام فضایل را در یک جامعه‌ی کوچک می‌بینیم، مهدویّت، نهایت این فضیلت‌ها است. مهدویّت، معنایی نزدیک به معنای روز داوری یا روز بازپسین دارد. مهدویّت، در اینجا، تجلیٰ والاترین و برترین نمونه‌ی عدالت، شفقت، رحمت، برادری، مساوات، زیبایی، خردورزی است، نهایتی که برای جامعه‌ی بشری ترسیم شده است.^۸

ج) تأثیرهای سیاسی - اجتماعی

مراد از تأثیرهای سیاسی - اجتماعی مهدویّت، مجموعه‌ی فرایندهای سیاسی است که به سبب اعتقاد به مهدویّت در جامعه ایجاد می‌گردد.

اعتقاد به مهدویّت، تأثیرهای سیاسی فراوانی بر جوامع گوناگون داشته است. برخی از نمونه‌های این تأثیرها بر جامعه عبارت است:

۱- ایجاد جنبش‌ها و قیام‌های دینی علیه ظلم و ستم با محوریّت اندیشه‌ی مهدویت؛

برخی از جنبش‌هایی که با محوریّت موعودگرایی به نحو عام، در جهان صورت

پذیرفته است، عبارت است از جنبش‌های هزاره گرا در کنگوی بلژیک و فرانسه، ولتاو
علیا، سیرالئون، تانگانیکا، فیلیپین، اندونزی، ویتنام، هایتی، برزیل، آرژانتین، پرو،
جاماییکا، ...

به اعتقاد شیعیان و اغلب دانشمندان و علمای اهل سنت و نیز واقعیت تاریخی، پس از
رحلت پیامبر اسلام ﷺ و به ویژه پس از شهادت مولای متقیان امیر مؤمنان علیهم السلام، از
مسیر اصلی و مستقیم خود خارج شد و تعصّبات نژادی و اشرافیّت، دربارِ خلفا را فرا
گرفت و روز به روز جامعه از شعائر اسلامی فاصله گرفت و عدالت اجتماعی رخت
برپست و تفاخرات قومی و مذهبی و به دنبال آن تبعیض‌های اجتماعی، سراسر جامعه‌ی
اسلامی را فراگرفت.

رهایی از ظلم و جور حکام ستمگر به ظاهر مسلمان و بازگشت به دوران معنوی و
بی‌آلایش و مساوات اسلامی صدر اسلام، آرمان‌های دردمدان مسلمان از عالم و عامی
بود، اماً واقعیت آن بود که پیامبر ﷺ رحلت کرده بود و جامعه‌ی اسلامی به دلیل سال‌ها و
قرن‌ها دوری از زمان رسول اکرم ﷺ احیای آن دوران محال می‌نمود، ولی خاطره‌ی
دوران کوتاه و طلایی صدر اسلام، آرمان اجتماعی همه‌ی مصلحان و رهبران نهضت‌های
سیاسی - اجتماعی در جهان اسلام بوده است.

در این میان، شیعیان، به دلیل اعتقاد به ظهور امام دوازدهم، حضرت مهدی (عج) که از
نسل پاک پیامبر ﷺ و منجی دین و آیین او است، این آرمان را نه یک رویا، بل واقعیّت
می‌دانند و دوران سیاه ظلم و شقاوت ستمگران را ناپایدار و زودگذر می‌پنداشند و با امید
به ظهور آن امام همام و پیروزی وی بر ظالمان، در انتظار گرفتن انتقام مظلومیّت خود و
همنوغان خویش، آرزوی «فرج» می‌کنند و آلام خود را تسکین می‌دهند.

انتظار، در تاریخ شیعه و اسلام، صورت‌ها و جلوه‌های گوناگونی داشته که در این

مقاله، به اجمال، به آن‌ها اشاره می‌شود:

أنظر

۱- انتظار توأم با صبر:

پس از حملات ویرانگرانه و وحشیانه‌ی کافران مغول به ایران، و حاکمیت یافتن آنان بر جان و مال و ناموس مردم، شیعیان، نشانه‌های ظهور را نزدیک می‌دیدند. یاقوت حموی، مورخ معروف قرن هفتم می‌نویسد، در سال‌های نخست حمله‌ی مغول، در شهر کاشان - از کانون‌های عمدی تشیع در ایران - مردم شهر، هر روز، هنگام سپیده‌دم، از دروازه خارج می‌شدند و اسب زین کرده‌ای را یدک می‌بردند تا حضرت مهدی (عج) در صورت ظهور بر آن اسب سوار شود.^۹

در زمان فرمانروایی سربداران نیز نظیر همین عمل در شهر سبزوار - که یکی از مراکز تشیع شمرده می‌شد - معمول بوده است و به طوری که میرخواند در روضة الصفا می‌نویسد: «هر بامداد و شب، به انتظار صاحب الزمان علیه السلام اسب کشیدندی.».

حسام الدین محمد بن حسام کوهستانی که یک روستایی شاعر پیشه بود و دیرتر از عصر یاد شده می‌زیست و در حدود ۸۷۵ق درگذشت، منظومه‌ای به نام خورشید نامه، در مدح امیر مؤمنان علیه السلام و امام عصر علیه السلام تألیف کرده است.^{۱۰}

۲- ادعای مهدویت:

برخی از ناآگاهان، با اطلاع از نارضایی عمومی جامعه و اعتقاد عموم شیعیان به ظهور امام زمان (عج)، ادعای مهدویت کردند تا با بسیج عمومی و غلیان احساسات پیروان خود، بساط ظلم و ستم را برچینند. برخی نیز اعتقادات و احساسات پاک مردم را ابزاری برای کسب قدرت خود کردند.

در سال ۶۶۵ قمری، قیام بزرگ مردم فارس، تحت رهبری شیخ شرف الدین - که خود را مهدی خوانده بود - به وقوع پیوست که به شدت سرکوب شد.^{۱۱}

در سال ۸۴۵ قمری، نیز قیام مشابهی در خوزستان ایجاد شد که در رأس آن سید محمد مشعشع، از شیعیان افراطی (غالی)، قرار داشت. وی، خود را «مقدمه»‌ی ظهور امام غایب

می خواند و پیشگویی می کرد که وی به زودی ظهور خواهد کرد و عدل و داد بر روی زمین برقرار خواهد شد. به گفته‌ی یکی از مورخان، حدود ده هزار نفر در زیر لوای او گرد آمدند و در محلی میان هویزه و شوشتار، عَلَم عصیان را برافراشتند و امیران و فئودال‌های محلی را از میان برداشتند. قیام آنان موجب نگرانی امرای فارس گردید. از این‌رو لشکر فارس به قصد سرکوب وی آمد، اما از آن‌رو که پیروان مشعشع، «فدایی» او بودند و مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دادند، مردانه پایداری کردند و لشکر فارس شکست خورد.^{۱۲}



گذشته از شیعیان امامیه و سرزمین ایران، نهضت‌های سیاسی - اجتماعی متعددی به دست شیعیان غیر امامیه و نیز اهل سنت، ضد دولت‌های وقت به وقوع پیوست که رهبران آن‌ها، داعیه‌ی مهدویت داشتند. این قیام‌ها، غالباً از پایگاه اجتماعی نیرومند و حمایت‌های وسیع مردمی برخوردار شدند. در این جا به اختصار، به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- عبدالله بن میمون (م ۲۵۱)، از اعراب خوزستان بود. وی، به مقام «داعی» اسماعیلی نایل شد و از طرف امام مستور (امام زمان)، در خوزستان دعوت و تبلیغ می‌کرد. او، ناگزیر پنهان شد و نخست در بصره پناهگاهی جست و سپس به سلامیه (سوریه) گریخت و در آن جا به تبلیغ پرداخت و مبلغانی به اطراف گسیل کرد. آنان، به مردم می‌گفتند، به زودی، امام مستور (صاحب الزمان) - که مهدی موعود است - ظهور خواهد کرد.

۲- در فاصله‌ی قرن‌های سوم و چهارم هجری، در سوریه (شامات)، داعیان اسماعیلی شایعاتی منتشر کردند که مهدی ظهور کرده و او همان عبیدالله، امام اسماعیلی است که نام اش تا آن او اخیر، مستور بوده است. مسلم است که عبیدالله، خواست از قرمطیان در عراق و سوریه استفاده کرده، قدرت را در دست گیرد. وی، در سال ۲۸۷ قمری در رأس قیام سوریه قرار گرفت و پس از سرکوب قیام‌اش، همزمان و همفکران خود را به دست سرنوشت سپرد و در میان لعنت و نفرین، در سال ۲۸۹ قمری به مصر گریخت و از آن جا راهی مغرب (مراکش) شد.

مدّت‌ها بود که در مغرب، وقایع سیاسی بسیار مهمی جریان داشت. در سال ۲۸۲

قمری، از مرکز اسماعیلیه سلامیه (سوریه)، مبلغی جدی و بلیغ به نام ابو عبدالله شیعی - که اصلاً از سرزمین یمن بود - بدان جا گسیل شده بود. وی، نخست، محتسب (حسابدار) بصره بود و پس از آن، به اسماعیلیه پیوسته بود. او، در تونس، از نارضایی بربراها از سیاست داخلی دودمان محلی اغالبه (۱۸۴ - ۲۹۷ قمری) استفاده کرد. بربان، در ۲۹۷ قمری قیام کردند و سلطنت اغالبه را سرنگون ساختند. عبدالله، در اوایل زمستان ۲۹۸ قمری، در شهر رقاده، به سمت امامت و خلافت، اعلام شد و امیرالمؤمنین و «مهدی» نامیده شد.

۳- در فاصله‌ی قرن‌های سوم و چهارم هجری، رهبران قیام‌های قرمطی، یعنی حمدان قرمط و عبدالن گویا، از طرف رئیس پنهانی فرقه که «صاحب الظہور» نامیده می‌شده و محل اقامتش مجھول بوده، عمل می‌کردند. پس از تأسیس دولت قرمطیان در بحرین (۲۸۶ ق) - که مرکز آن شهر لحسا بوده -، ابو سعید حسن الخبرابی که گویا از طرف «صاحب الظہور» یاریس مخفی فرقه‌ی به آن جا گسیل شده بود، در رأس آن قرار گرفت. وی، عملاً، در حکومت خویش کمال استقلال را داشت.

۴- محمد بن عبدالله تومرت، معروف به مهدی اهرعی، مکنی به ابو عبید الله - که اصل او از جبل السوس در انتهای مغرب (مراکش) بود - به سرزمین‌های شرقی سفر کرد و به عراق رفت و از ابو حامد محمد غزالی و دانشمندان دیگر دانش آموخت و به زهد و پرهیزگاری و تقوا شهرت یافت. سپس به مصر و شمال افریقا رفت و سرانجام در مغرب سکونت گزید و دولت بزرگی در اوایل قرن ششم تأسیس کرد که به دولت عبدالمؤمن شهرت یافت.^{۱۳}

۵- عباس فاطمی، در اواخر سده‌ی هفتم هجری در مغرب ظهور کرد و خود را «مهدی» نامید و هواداران زیادی دور خود جمع کرد و کارش بالا گرفت و شهر مانس را تصرف کرد و بازار شهر را سوزاند و عاملان خود را به اطراف و اکناف فرستاد، لکن پیش از آن که دولتی تشکیل دهد، کشته شد و دعوی او پایان یافت.^{۱۴}



۶- محمد مهدی سنوسی، در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری) در مغرب، ادعای مهدویت کرد. اصل او از جبل سوس بود. پدرش شیخ محمد در ناحیه‌ی جغوب (جربوب)، نزدیک واحه سیوا اقامت داشت. علاوه بر آن جا - که مقر اصلی او بود - نزدیک به سیصد زاویه در بلاد مغرب دایر کرده بود که به نشر تعالیم او پرداختند. وی، پیش از وفات خود، اشاره کرده بود که مهدی متظر، به زودی، ظهر خواهد کرد و شاید پرسش باشد و ظهر او در آخر قرن سیزدهم خواهد بود. مهدی، مردی خردمند و مقتدر و سخت کوش بود و از کرامات مشهور او خیمه‌ای جادویی بود که در جنگ‌ها همراه می‌برد و پیروان اش معتقد بودند که آن خیمه، هیچ‌گاه از ذخایر و آذوقه تهی نمی‌شود.

۷- محمد احمد سودانی، معروف به مهدی سودانی (۱۸۴۸ - ۱۸۸۵ میلادی / ۱۲۹۲ قمری)، از مهم‌ترین و معروف‌ترین مدعیان مهدویت بود. وی، از قبیله‌ی دناقله بود و در سودان به دنیا آمد. پدرش عبدالله نام داشت و به قایق سازی مشغول بود. محمد احمد، به تعلّم علوم دینی پرداخت و مراتب طریقت را نیز گذراند و با نرم‌خویی و تیزهوشی و سخنوری خود و از همه مهم‌تر، زهد و تقوای خویش - که زبانزد همگان بود - مردم را به خود جذب کرد. او، به امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و مردم را به رعایت موازین شرعی دعوت کرد. در سال ۱۸۸۱ میلادی / ۱۲۹۷ قمری که زمینه‌ی دعوت خود را مهیا دید، ادعای مهدویت کرد و خود را همان مهدی منتظر علیله نامید. آن چه موجب دعوی محمد احمد گردید، به‌طور عمد، به این شرح است:

الف) انتظار اکثر مسلمانان و از آن جمله مردم سودان برای ظهر مهدی علیله؛
ب) اعتقاد شیوخ قبایل و فقهای سودان بر این که مهدی علیله از میان آنان ظهر خواهد کرد. آنان، این عقیده را به روایاتی از اهل سنت مستند می‌کردند؛
ج) دریافت مالیات سنگین از مردم سودان که همراه با فشار و آزار و توهین به مالیات دهنگان بود. از زنان و کودکان سودانی نیز، مالیات گرفته می‌شد. مردم سودان، سالانه، سه

بار مالیّات می‌پرداختند: یک بار برای فرماندار، و یک بار برای قاضی، و یک بار برای مأموران مالیّات. کشاورزان، برای کشت گندم، استفاده از آب نیل و قایقرانی در نیل نیز مالیّات می‌دادند و خانه‌های کسانی که در پرداخت این مالیّات‌ها تأخیر می‌کردند، سوزانده می‌شد.

د) خرید و فروش مردم سودان به عنوان «برده»، تجارت پر درامدی برای تجارت سودانی بود. صدھا هزار نفر از جوانان سودانی، به عنوان کارگر و خدمتگزار، به قیمت نازلی خریداری شده و با قیمت گزافی فروخته می‌شدند و به کارهای شاق و طاقت فرسا در سرزمین‌های دور دست می‌پرداختند. مأموران دولتی از برده‌فروشان، مالیّات مطالبه می‌کردند. وقتی دعوت محمد احمد سودانی گسترش یافت، تجار ناراضی سودانی، دعوت او را لبیک گفته و در تقویت او کوشیدند. مهدی سودانی، چند بار با نیروهای مصری-انگلیسی جنگید و آنان را شکست داد و شهر خارطوم را به تصرف خود در آورد و دولت مستقلی تشکیل داد. مهدی سودانی، با قدرت تمام، به سازماندهی حکومت خود پرداخت و امور کشور را به سه بخش لشکری و مالی و قضایی تقسیم کرد و فرماندهی لشکر را به خلیفه‌ی خود، عبدالله تعایشی سپرده‌او، از طریق اخذ زکات و فطریه و عشریه، کشور را اداره می‌کرد و در اجرای شریعت، سختگیر بود. او، پیش از مرگ در ۲۱ ژوئن ۱۸۸۵ میلادی، عبدالله تعایشی را به جانشینی خود برگزید و از همگان خواست تا با او بیعت کنند.^{۱۵}

ـ در ایران نیز در سال ۱۲۶۵ قمری، یکی از شاگردان سید کاظم رشتی به نام سید علی محمد شیرازی، خود را نماینده و باب امام زمان علی‌الله ع دانست و پس از این که گروهی به او گرویدند، دعوی مهدویّت کرد. علماء، با ادعای پوچ او، مخالفت کردند. او، با فشار علماء، در جلسه‌ی مناظره شرکت کرد، اما از پاسخ‌های اوّلیه در ماند و پس از آن که چوب مفصلی خورد، توبه کرد و آزاد شد، اما بار دیگر دعوت اش را ادامه داد و سپس دستگیر و در قلعه‌ی چهريق زندانی گردید. پیروان اش با حمایت سفرای روسیه و انگلستان، در

گوشه و کنار کشور، شورش ضد دولتی به راه انداختند، اما این شورش‌ها، با هوشیاری و مقاومت مردم و همکاری قشون دولتی، سرکوب گردید و باب نیز اعدام شد. بدین ترتیب، دعوی باب که می‌رفت تا کشور را به هرج و مرج و دودستگی و نهایتاً تجزیه بکشاند، در نطفه خفه گردید.^{۱۶}

۳- ایجاد انقلاب‌های سیاسی در جوامع

نمونه‌ی بارز انقلاب‌هایی که با توجه و عنایت به بُعد موعودگرایی رخ داده است، انقلاب اسلامی ایران است. به اعتقاد شیعه، ظهور حضرت مهدی(عج) و شکل‌گیری حکومت عدل جهانی، از یک اعتقاد صرف فراتر رفته و هویّت شیعی را در طول تاریخ شکل داده است. در نگاه شیعه، حکومت جهانی آن حضرت(عج) تحقق بخش مدینه‌ی فاضله است.

تأثیر اندیشه‌ی مهدویّت بر انقلاب اسلامی ایران، از چند حیطه قابل بررسی است:

- ۱- علل موجبه‌ی حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران.
- ۲- علل و رمز موقّیت و پیروزی انقلاب اسلامی.
- ۳- علل تداوم و استمرار انقلاب اسلامی.

علل موجبه‌ی انقلاب اسلامی

یکی از عوامل مهم شروع حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران، بی‌تردید، تفکر انقلابی شیعه است که مبنی بر اصول اعتقادی برگرفته از اندیشه‌ی دینی، به طور عام، و اندیشه‌ی مهدویّت، به طور خاص است.

از مهم‌ترین این اصول، نفی ظلم و ستم و نفی سبیل و سلطه‌ی کفار و نفی حاکمیّت غیر الهی و حقّ مشارکت و حضور مردم و حقّ نظارت و احساس مسئولیّت است.

بر همین اساس، بیش‌تر فقهای بزرگوار شیعه، از جمله امام خمینی، در دوره‌ی غیبت، تشکیل حکومت اسلامی را واجب می‌دانند و بر این باورند که اگر یکی از فقهاء، تشکیل

حکومت داد، بر دیگران واجب است تا از او پیروی کنند و اگر تشکیل حکومت اسلامی به جز از راه قیام و اقدام دسته جمعی امکان‌پذیر نباشد، همگان، باید بدین مهم اقدام کنند و در صورتی که تشکیل حکومت ممکن نباشد، باز هم باید به اندازه‌ی توان، احکام اسلامی را اجرا کنند.^{۱۷}

علل پیروزی و موفقیت انقلاب اسلامی

به اعتقاد اندیشه‌مندان و تحلیل‌گران سیاسی، ایمان و اعتقادات دینی مردم ایران و رهبری انقلاب، از جمله عوامل مهم و مؤثر موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است. رابت گراهام، در این زمینه گوید:

تغییرات انقلاب در ایران تحقق پیدا نمی‌کند، مگر آن که جامعه‌ی مذهبی و مرجعیت، از آن پشتیبانی کند. قیام پانزدهم خرداد، به سبب بازداشت آیة‌الله [امام] خمینی، و قیام ۱۳۵۷ مردم ایران به سبب توهین روزنامه‌ی اطلاعات به روحانیت و امام خمینی، و با انگیزه‌ی مذهبی و دفاع از رهبری دینی، به وقوع پیوست^{۱۸}

آقای فردالیل، در بررسی عوامل پیروزی انقلاب اسلامی چنین گوید: «نخستین جنبه‌ی انقلاب اسلامی، خصیصه‌ی مذهبی بودن آن است...».^{۱۹}

اندیشه‌ی مهدویت و اعتقاد به ظهور منجی، به عنوان یک مکتب انتظار فلسفی - سیاسی، خود را نشان داده است؛ زیرا، انتظار، به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراضی و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. از این رو، انتظار، مرگب از دو عنصر سلبی و ایجابی است. عنصر سلبی، همان نارضایتی از وضع موجود و تلاش به منظور از بین بردن آن و ترک هرگونه همکاری با عوامل ظلم و فساد است.

عنصر ایجابی، خودسازی فردی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن حکومت واحد جهانی امام زمان (عج) است.^{۲۰}

انقلاب اسلامی، با اعتقاد مردم شیعه‌ی ایران به پیروی از رهبری امام خمینی (ره) به

عنوان نایب امام زمان(عج) و وجوب اطاعت و پیروی از ایشان به پیروزی رسید و هدف اش از بین بردن عوامل ظلم و فساد و تشکیل حکومت اسلامی و زمینه سازی برای تشکیل حکومت واحد جهانی امام زمان(عج) است.

علل تداوم و استمرار انقلاب

مردم متدين ايران، انقلاب اسلامي را زمينه ساز ظهور امام زمان علیهم السلام و مقدمه اي برای انقلاب اصلی امام عصر(عج) می دانند. با تفحص در کتاب صحیفه نور، سخنان ارزنده ای از حضرت امام خمینی قیامت، بنیانگذار جمهوری اسلامی، درباره ای انتظار حضرت بقیة الله(عج) به چشم می خورد که دلالت بر این می کند که این مرد بزرگ زمان، خود را به عنوان یک خدمتگزار و سرباز امام زمان(عج) در عصر انتظار معرفی کرده و هدف انقلاب اسلامی را زمينه سازی برای ظهور آن حضرت می داند؛ زیرا، هدف از تشکیل حکومت اسلامی، گسترش اهداف دین برای رسیدن به حکومت واحد جهانی بوده است.

حضرت امام(ره) می فرمایند:^{۲۱}

از خداوند تعالی، مسئلت می کنم که ظهور حضرت ولی عصر، سلام الله عليه، را نزدیک فرماید و چشم های ما را به جمال مقدس اش روشن فرماید. ما، همه، انتظار فرج را داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید تلاش کنیم تا قدرت اسلام، در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور حضرت ولی عصر علیهم السلام این شاء الله، تهیه بشود.

در اندیشه مهدویت، لازمه ای انتظار، ایجاد زمینه ظهور و انجام دادن اصلاحات سیاسی و اجتماعی و آماده کردن جامعه برای پذیرش انقلاب جهانی امام مهدی(عج) و تحولات اساسی است.

نکته‌ی آخر

در بررسی بیشتر انقلاب‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که تأثیرهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آن‌ها بر مجموعه‌ی جامعه، به عنوان یک کل، اثر می‌گذارد و این همان، اثری

انظر

است که در ابتدای بحث، به عنوان «تأثیرهای غیر مستقیم مهدویت بر جامعه»، از آن نام برده شد. به عبارت دیگر، شاخص‌های سیاسی که از تفکر مهدویت ناشی می‌گردد، هم از بازتاب مستقیم اعتقاد به مهدویت متأثر می‌گردد و هم از بازتاب‌های غیر مستقیم آن.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سید محمد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه، ج ۲، ص ۲۹۷.
 ۲. همان ص ۲۸۸، و النجم الثاقب، ص ۷۷۳.
 ۳. نهج الفصاحة، سخن ۱۱۸۹.
 ۴. النجم الثاقب، ترجمه، ص ۷۷۴.
 ۵. بحار الانوار جلد ۱۰۲، صفحه ۸۴.
 ۶. مفاتیح الجنان. زیارت حضرت صاحب الامر(عج).
 ۷. بحار الانوار جلد ۱۰۲ صفحه ۹۳.
 ۸. برگرفته از سخنرانی دکتر کوثری، از طریق سایت WWW.monjee.com.
 ۹. برگرفته از مقاله‌ی نقش انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام در نهضت سیاسی - اجتماعی اسلامی - محمد حسن رجبی، به نقل از ای پ پتروفسکی، نهضت سربداران خراسان، ترجمه‌ی کریم کشاورز تهران، پیام، چاپ سوم، ۱۳۵۱، ص ۱۵ و ۱۶.
 ۱۰. همان، ص ۱۶.
 ۱۱. همو. اسلام در ایران، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳۷۳.
۱۲. همان، ص ۳۸۰ و ۳۸۱، و نیز رجوع شود به کتاب مشعشعیان، نوشه‌ی احمد کسروی.
 ۱۳. جرجی زیدان، مشاهیر الشرق فی القرن التاسع عشر، جزء اول، ص ۶۱-۶۳.
 ۱۴. جرجی زیدان، مشاهیر الشرق فی القرن التاسع عشر، جزء اول، ص ۶۱-۶۳.
 ۱۵. برای اطلاع بیشتر از شرح حال مهدی سودانی رجوع شود به منبع فوق، ص ۱۱۵-۶۱، تاریخ سودان.
 ۱۶. برای اطلاع از دعاوی باب، رجوع شود به فتنه‌ی باب، نوشه‌ی اعتضاد السلطنه که کمی پس از رفع آن فتنه نوشته است.
 ۱۷. کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲ / ۴۶۵ - ۴۶۶، اسماعیلیان، قم.
 ۱۸. گذری بر رویدادهای معاصر ایران و پیدایش انقلاب اسلامی، مهر علی لطفی، انتشارات پرهیزگار، قم، ۱۳۷۹، ص ۱۶۲.
 ۱۹. همان، ص ۱۵۷.
 ۲۰. همان، ص ۶۴ و ۶۲.
 ۲۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵، ۲۵۵ / ۴ / ۱۲، ۵۸.

